



## چرا از پل هوایی استفاده می‌کنیم؟

در هنگام عبور از خیابان، خطرات زیادی برای بچه‌ها وجود دارد. بعضی از رانندگان ماشین‌ها و موتورها به عابران توجه نمی‌کنند. برای همین، ما به خاطر امنیت جان خودمان باید از پل‌های هوایی استفاده کنیم.

محمدحسین ابراهیمی، چهارم ابتدایی، شیراز

## آن بالا

ای تنبل‌ها که از پل عابر پیاده رد نمی‌شوید. فکر نمی‌کنید شاید خدای ناکرده ماشینی به شما بزند و یک عمر پشیمان شوید؟ آدم‌هایی که از روی پل عابر پیاده رد می‌شوند، می‌توانند شهر را از آن بالا ببینند و لذت ببرند. درست است که پل عابر پیاده پله‌های خسته‌کننده‌ای دارد ولی به نظر من، آن بالا آن قدر خوش می‌گذرد که سختی پله‌ها فراموش می‌شود. من همیشه وقتی از بالای پل رد می‌شوم با مادرم می‌ایستم و چند دقیقه‌ای خیابان‌ها و آدم‌ها را نگاه می‌کنم. خیلی جالب است که آدم‌ها از بالا کوچک‌تر به نظر می‌رسند. صف اتوموبیل‌ها را می‌بینم که از دور، مثل یک مار می‌آید. بعد چراغ راهنمایی و رانندگی را می‌بینم که هر قدر کار کند، خسته نمی‌شود. دیدن شهر از بالای پل عابر، خیلی خوب است. چون روی پل، کسی برلی آدم بوق نمی‌زند!

کیانا مازیار، چهارم ابتدایی، تهران

## یک فکر جالب

من یک پسر بچه‌ی یازده ساله هستم. خانه‌ی ما نزدیک مدرسه است. من باید هر روز از یک خیابان فرعی عبور کنم. من همیشه از روی خط‌کشی خیابان رد می‌شوم. اما ماشین‌ها اصلاً کاری به خط‌کشی ندارند. آن‌ها تا چراغ قرمز در کار نباشد نمی‌ایستند. یک روز ساعت شش و نیم صبح یک ماشین روی خط عابر نزدیک بود با من برخورد کند. راننده از ماشین بیرون آمد و با دستپاچی گفت: «بخشید آقا پسر! اتفاقی که برایت نیفتاد؟»

او خیلی از کار خودش ناراحت شده بود. بعد یک فکری به ذهنش رسید و گفت: «من امروز یک کاری می‌کنم که دیگر هیچ کس این خط عابر را فراموش نکند.» وقتی از مدرسه برگشتم دیدم یک تابلوی خیلی بزرگی در کنار خط عابر نصب شده. روی تابلو نوشته بود: «لطفاً به خط عابر توجه کنید.»

شایا زرسازگار، ششم ابتدایی، تهران

## عادت کنیم

پل عابر پیاده، پلی است مخصوص عابران پیاده. اما من یک مشکل کوچک دارم. من از ارتفاع می‌ترسم. یعنی وقتی بالای پل عابر باشم، نمی‌توانم پایین را نگاه کنم. انگار سرم گیج می‌رود. با این حال، از پل عابر رد می‌شوم. چون رد شدن از خیابان با آن ماشین‌ها و موتورسیکلت‌های تندرو، خطر دارد. مادرم به من یاد داده که وقتی از روی پل رد می‌شوم، پایین را نگاه نکنم. برای همین، تازگی‌ها ترسم از بلندی خیلی کمتر شده است. یک وقت‌هایی هم یواشکی از آن بالا خیابان را نگاه می‌کنم و نمی‌ترسم!... همه باید به پل عابر پیاده عادت کنیم.

وانیا استاد محمدمعمار، چهارم ابتدایی، تهران



## دوستی با پل عابر

پل عابر گفت: «آهای دوست من، داری کجا می روی؟»  
 پسرک گفت: «به مدرسه... اتفاقی افتاده؟»  
 پل عابر گفت: «می خواهی تنها بروی؟»  
 پسرک گفت: «من تنها از خیابان رد می شوم.»  
 پل گفت: «حالا که من این جا هستم، نمی خواهی با من بیایی؟»  
 پسرک گفت: «چرا از این همه پل، بالا بروم؟... وقت تلف می شود.»  
 پل مهربان گفت: «پس من این جا چه کاره ام؟»  
 پسرک گفت: «چه فرقی می کند؟... من آن قدر صبر می کنم تا خیابان خلوت شود. وقتی ماشین نبود، رد می شوم.»  
 پل گفت: «مطمئن باش هر وقت با من بیایی، زودتر به آن طرف خیابان می رسی. چون ده دقیقه است که این جا منتظر ایستاده ای تا خیابان خلوت شود.»  
 پسرک از پل ها بالا رفت و پل هوایی، یک دقیقه بعد او را به آن طرف خیابان رسانده بود. پسرک از پل ها پایین آمد و گفت: «ممنون پل هوایی عزیز. هیچ وقت به این سرعت و با خیال راحت از این خیابان رد نشده بودم. از فردا منتظرم باش. هر روز با تو می آیم.»

زهرا علیزاده، چهارم ابتدایی، شهرستان نور، استان مازندران

## به شهر ما هم سفر کنید

در شماره ی دوم رشد دانش آموز خواندم که شما به شهر لواسان سفر کرده بودید. من هم دلم می خواهد که به شهر ما هم سری بزنید. در خیال خودم فکر می کنم که آیا به این جا می آید یا نه؟... بعد که خوب به عکس ها نگاه می کنم، حتی به من می گوید که حتماً خواهید آمد. دلیلش را نمی دانم. این دعوت نامه ی مرا قبول کنید و خواهش می کنم به مدرسه ی «سوره»ی شهر «اسکندر گلای» قائم شهر سفر کنید. اگر نیاید دلم می شکند. اما باید قول بدهید وقتی به شهر ما آمدید، حتماً از خط عابر پیاده استفاده کنید!

فاطمه نودهی، اسکندر گلای قائم شهر، استان مازندران

## سلام خط عابر

سلام!... من خط عابر پیاده هستم و با شما راننده های عزیز سخنی دارم. من با شما رانندگانی صحبت می کنم که بدون توجه، از روی خط عابر پیاده عبور می کنید. می دانید که با این کار چه خطرهایی را به وجود می آورید؟... اگر کودکی بخواهد از خیابان رد شود، وقتی می بیند به خط عابر رسیده است با خیال راحت از روی آن عبور می کند. ولی ناگهان شما راننده ی محترم با سرعت به او نزدیک می شوید و او را می ترسانید!... یا پیرمردی را که به کمک عصا آهسته آهسته می خواهد از روی من رد شود... لطفاً وقتی به من می رسید، کمی سرعتتان را پایین بیاورید تا صدای سلام مرا بشنوید! آن وقت، بچه ها هم می توانند به سلامتی از روی من عبور کنند.

هدی ریاحی، ششم ابتدایی، تهران

